

12 نکته اخلاقی - عرفانی از آیت‌الله فاطمی‌نیا

«در زمان ما هیاتی‌ها، مسجدی‌ها و مقدس‌ها آبرو می‌برند. عزیز من! اسلام می‌خواهد آبروی فرد حفظ شود.»



«در زمان ما هیاتی‌ها، مسجدی‌ها و مقدس‌ها آبرو می‌برند. عزیز من! اسلام می‌خواهد آبروی فرد حفظ شود. شما با این مشکل داری؟ دقت کنید که بعضی‌ها با زبان‌شان می‌روند جهنم. روایت داریم که می‌فرماید اغلب جهنمی‌ها، جهنمی زبان هستند.»

به گزارش ایسنا، عصر ایران نوشت: «آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی نیا سال‌ها در مسیر توسعه اخلاقی جامعه تلاش کرد و سرانجام بامداد ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ به سوی معبود شتافت.

آنچه می‌خوانید، برگزیده‌ای از سخنان و توصیه‌های اخلاقی و عرفانی اوست.

بداخلاق شوید، عبادت تان ضایع است

من تعجب می‌کنم از بعضی‌ها! یک خانم مومن ۲۰ بار به عمره رفته. بار ۲۱ به او می‌گویند بیا این پول عمره را بده برای یک دختر یتیم. می‌گوید: «نه من نمی‌توانم. دوستان همه دارند می‌روند عمره. من چطور نروم؟» حالا به این خانم بگو شما این همه عمره رفتی، مساله اخلاق را در خانه رعایت می‌کنی؟ مگر دین خدا مسخره است؟ هر سال عمره می‌روی، یک عیب و بدی را از خودت دور نکردی؟ یا آقا، فرقی ندارد. آقا بداخلاق بشود، عبادتش ضایع می‌شود. خانم بداخلاق بشود، عبادتش ضایع می‌شود.

نمازها چه شد؟ تو دل شکستی...

فرد وارد بازار قیامت می‌شود. فکر می‌کند خبری است. تعجب می‌کند. خدایا! پس چه شد؟ نمازها، عمره‌ها؟ می‌گویند: تو دل شکستی. ریا کردی. زهر زبان ریختی. ببینید! ما درد دل می‌کنیم. جوان عزیز! اگر عروج می‌خواهی، می‌خواهی به جایی برسی از خانه خودتان شروع کن! دل خواهرت را شکستی؟ برو درستش کن! دل مادر و پدر را شکستی؟ از خانه شروع کنید! جوانانی هستند که محاسن دارند، انگشتر دارند، عطر تیروز هم می‌زنند، در بیرون هیات! در منزل بروی پرسی، هیچکس از او راضی نیست. پس برای چه هیات رفته بودی؟ چرا جلسه رفته بودی؟ پس استاد یعنی چه؟

آبروی مردم را نبرید! در زمان ما هیاتی‌ها، مسجدی‌ها و مقدس‌ها آبرو می‌برند

خدمت آیت‌الله بهاءالدینی رسیدم. گفتم: آقا! راز مقام و رتبه سیدالسکوت (که بزرگان پیش ایشان می‌رفتند) چه بود؟ آقا دست بالا آورد و اشاره به دهان کرد. خدا شاهدست الان مردم خیلی دست کم گرفته اند آبرو بردن را.

ببینید خدا چند گناه را نمی‌بخشد:

۱- عمدا نمازخواندن

۲- به ناحق آدم کشتن

۳- عقوق والدین

۴- آبرو بردن

این گناهان این قدر نحس هستند که صاحبانشان گاهی موفق به توبه نمی‌شوند. پسر یکی از بزرگان علما که در زمان خودش استادالعلما بود، برای من تعریف می‌کرد: «به پدرم گفتم پدر تو دریای علم هستی. اگر بنا باشد یک نصیحت به من بکنی چه می‌گویی؟» می‌گفت: پدرم سرش را انداخت پایین. بعد سرش را بالا آورد و گفت: «آبروی کسی را نبر!»

الان در زمان ما هیاتی‌ها، مسجدی‌ها و مقدس‌ها آبرو می‌برند. عزیز من! اسلام می‌خواهد آبروی فرد حفظ شود. شما با این مشکل داری؟ دقت کنید که بعضی‌ها با زبان‌شان می‌روند جهنم. روایت داریم که می‌فرماید اغلب جهنمی‌ها، جهنمی زبان هستند. فکر نکنید همه شراب می‌خورند و از دیوار مردم بالا می‌روند. یک مشت مومن مقدس را می‌آورند جهنم. ای آقا تو که همیشه هیات بودی! مسجد بودی! بله. توی صفوف جماعت می‌نشینند آبرو می‌برند.

امیرالمومنین به حارث همدانی می‌فرماید: اگر هر چه را می‌شنوی، بگویی، دروغگو هستی.

مستحب با جایز فرق دارد. مستحب یعنی وقتی انجامش دادی یک چیزی هم گیرت می‌آید. حالا یکی از مستحبات قاضی که در مسند قضا نشسته این است که اگر متهمی را پیش او آوردند، دید موضوع اتهام از حقوق مردم است، باید ساکت شود شواهد را جمع و حکم کند. اما اگر قضیه از حقوق خدا بود، مستحب است. یعنی مثل نماز نافله می‌ماند که قاضی حرف در دهان متهم بگذارد. مثلا متهمی را بیاورند که این شراب خورده است. قاضی بگوید: کی؟ نه! یک داروهای هست برای درد دندان که بوی بدی می‌دهند. این بنده خدا از آنها استفاده کرده است. قاضی باید اینها را بگوید. اگر دین این چیزی بود که در کوچه خیابان می‌دیدیم، صرف نمی‌کرد امام حسین در راهش شهید بشود.

شب بلند می‌شود نماز شب می‌خواند، صبح می‌نشیند غیبت می‌کند

هر ماه نوری دارد و هر روز نوری دارد که مجانی به در خانه آدم می‌آیند. این ما هستیم که باید این نورها را حفظ بکنیم.

شیعیان امیرالمومنین نزد خدا عزیز هستند. اینها اگر بر نمازها مراقبت کنند، مساله والدین، مساله غیبت و حسن خلق و ... را

رعایت کنند، این انوار هر روز به در خانه شان می آید. منتها ما چه می کنیم؟ این انوار را حفظ نمی کنیم. از یکی از بزرگان علما که با آشیخ حسنعلی (نخودکی اصفهانی) محشور بود، پرسیدم، ایشان چگونه به این مقام نزد خدا رسیدند؟ آن ولی خدا جواب داد: «ایشان هر چه به دست می آورد نگه می داشت.» ولی ما انوار را ضایع می کنیم. شب بلند می شود نماز شب می خواند، صبح می نشیند غیبت می کند. نور نماز شب رفت. با یک حرف تلخ این نورها از بین می رود.

شدیدترین گناه

گناهکار چند نوع است. عده ای گناه می کنند، بعد ناراحت و پشیمان می شوند. سوز و گداز دارند. توبه می کنند و هرگز فکر نمی کنند که روزی این توبه را بشکنند اما دوباره می شکنند. دوباره، سه باره، ده باره. در حدیث داریم که این اگر در تمام توبه شکستن ها سوز و گداز واقعی داشته باشد، در نهایت بر شیطان پیروز می شود. اما اگر نه، دفعه اول سوز و گداز داشت، دفعه دوم کمتر، دفعه سوم کمتر و اگر برایش معمولی شد، او طعمه شیطان می شود. شدیدترین گناه، گناهی است که صاحب آن، آن را کوچک بشمارد.

برای مردم، خوب بخواهید

نقل شده است روزی «معروف کرخی» نشسته بود. عده ای از جوانان در دجله سوار بر قایق بودند و ساز و آواز سر می دادند. چند نفر از مقدّسین آمدند، به معروف کرخی گفتند: آقا آنها را نفرین کن! چه جوان های بدی هستند! معروف دست های خود را بلند کرد و فرمود: خدایا به عزّت خودت قسم می دهم کسانی را که در این دنیا این قدر خوشحال کردی، در آخرت هم همین طور آنها را خوشحال کن! آنها به معروف اعتراض کردند: ای معروف! تو یک عارف هستی! چرا چنین می گویی؟ چرا یک عده که مشغول گناه هستند را نفرین نکردی و برای آنها دعا کردی؟ معروف کرخی پاسخ داد: وای بر شما که نادان هستید. من آنها را دعا کردم. اگر قرار شود در آخرت خوشحال باشند، باید در این دنیا توبه کنند. این دعا یعنی خدا به آنها توبه عنایت کند.

صدای خوش شنیدید، خدا را شکر کنید

اگر صدای خوشی می شنوید، خوشتان می آید، باید سجده شکر به جا بیاورید. چون عده ای درک نمی کنند، این نعمت توجه به ظرایف است.

دعای کمیل ۲۰ دقیقه است. وسطش سه ساعت سخنرانی نکنید!

اول مظلوم از انسان ها امیرالمومنین است و در دعاها دعای کمیل. این دعا خیلی مظلوم است. در تیراژ بالا چاپ می شود، هر مجلسی هم که بروید دعای کمیل داریم.

اولا که وسط دعای کمیل سخنرانی می کنند که دعای کمیل می شود سه ساعت. دعای کمیل بیست دقیقه است. ما حق نداریم دعای امیرالمومنین را بکنیم سه ساعت.

اگر استادی، نورانیتی داری، مختصر توضیح بده! وسط دعا هر چه شعر بلد است می خواند. همه بیچاره می شوند. جوان ها زده می شوند. می گویند جوان نمی رود دعای کمیل. خوب تو نمی گذاری.

مولوی می گوید در قدیم موذن بدصدایی بود. دیدند روزی صف بلندی از هدایا و تحفه ها تشکیل شده برای این موذن بدصدا. تعجب کرد و علت را پرسید. گفتند: همه این افراد در صف مسیحی هستند. گفت: چرا برای من تحفه آورده اند. گفتند: برای صداقت. گفت: صدای من که بد است. گفتند این مسیحی ها شش ماه با یک دختر مسیحی سر مسلمان شدنش بحث داشتند. دختر اصرار داشت که من می خواهم مسلمان بشوم. مسیحی ها هم در طول شش ماه نتوانستند او را قانع کنند. صدای تو را که شنید گفت من اصلا اسلام را نمی خواهم. این تحفه و هدایا قدردانی مسیحیان از توست.

به شیطان رو ندهید

شیطان را باید شناخت. شعار می دهند، می گویند شیطان قوی است. نه شیطان قوی نیست. ما شیطان را رو می دهیم. ما بچه بودیم در محلات و خانه های پر درخت تبریز بازی می کردیم. دیدیم ناله یکی از بچه ها بلند شد. دیدیم یک بچه عقرب پیدا شد از مورچه کمی بزرگ تر. این بچه داشت سیاه می شد طفلک. بچه عقرب از بند انگشت هم کوچک تر بود. عقرب فقط یک لنگه کفش می خواهد. شما الان نمی توانید بگویید عقرب قوی است ولی موزی است. رو بدهی می آید در آستین آدم. شیطان هم ضعیف است. نگوید قوی است. این طور بگویید روبه روی خدا ایستاده آید. شیطان قوی نیست، موزی است. خداوند در قرآن می فرماید: «بر بنده من کسی تسلط ندارد. تسلط شیطان بر کسانی است که دنبالش می روند.» جوانان عزیز! اخلاقتان را زیباتر بکنید، نمازها را مرتب بخوانید، مساله والدین را رعایت کنید و عمل به وظیفه بکنید. مطمئن باشید شیطان می رود.

جز خدا کسی جواب مضطر را نمی دهد

آدم این را متوجه شود که جز خدا کسی جواب مضطر را نمی دهد، همه کارهایش درست می شود. دعای امن یجیب را با جان بخوانید!

دست مادر که بالا می رود بلاها از شما دور می شود

آقایان! حیف تان نمی آید مادرها را اذیت می کنید؟ سید رضی، جامع نهج البلاغه، پس از مرگ مادرش گفت: «بعد از این با کدام دست بلاها را رد کنم؟» دست مادر که بالا می رود، بلاها از شما دور می شود. حیف نیست سر یک چیز جزئی مادر را می رنجانید؟ از مجلس روضه برگشته، مادر را می رنجاند. قبول باشد!

سفره خدا بزرگ است

سفره خدا بزرگ است. پیرزنی نابینایی جلوی حضرت موسی را گرفت. گفت: دعا کن خدا چشمانم را برگرداند! حضرت موسی

گفت: باشد. پیرزن گفت: دعا کن جمال را هم برگرداند! حضرت یک توفقی کرد. با خود گفت چشمانش را خدا داد، دیگر زیبایی و وحی آمد که موسی چرا فکر می کنی؟ مگر از تو می خواهد؟

آشیخ موسی دبستانی را من زیارت کردم. خیلی لطیف بود. از شاگردان آیت الله قاضی بود. یک شب بلند می شود برای نماز شب. قبل از بیدارشدن برای نماز شب در خواب می بیند که یک نفر گفت: یا موسی اقبل و لا تخف انک من العاملین (ای موسی رو کن و نترس که تو در امانی) نماز شب را خواند و خوابید، دیگر بلند نشد. همان طور در خواب رفت.